

Optimal Criminal Policy in Confronting Criminal Behaviors Stemming from Cryptocurrencies in Iran: A Perspective on Regulation within the Global Approach

1. Hossein Rezaei Nikabadi: PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran
2. Batoul pakzad*: Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: D.b.pakzad@gmail.com (Corresponding Author)
3. Mohamadreza Rahmat: Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Theology, Maybod University, Maybod, Iran

ABSTRACT

Today, we witness the expansion and advancement of information technology and the use of cryptocurrencies in individuals' lives. Over a decade has passed since the introduction and dissemination of cryptocurrencies, yet substantial and strategic gaps persist in this field in terms of proper criminal policy, legal regulation, and governance. The unique features and novelty of cryptocurrencies have created a favorable environment for criminal activity. However, the approaches of different countries toward this phenomenon vary. Some nations have endeavored to adopt active and dynamic regulatory approaches and select optimal criminal policies in this domain, while others, due to existing ambiguities and political, security, and economic sensitivities, have refrained from enacting specific regulations. Given the challenges associated with cryptocurrencies—such as the anonymity of parties involved, the indeterminacy of origins and destinations, difficulties in evidence collection and crime scene identification, their legal nature from a jurisprudential perspective, and impediments in the prosecution of crimes due to inefficient jurisdictional rules—achieving an optimal criminal policy in all dimensions faces significant obstacles. Crimes such as fraud, money laundering, tax evasion, organized crime, and others are particularly attractive to offenders within this domain. Most countries, by adopting risk-based criminal policies, attempt to develop suitable strategies. However, considering the features and components inherent to cryptocurrencies, reliance on this policy alone is insufficient. Undoubtedly, achieving an effective criminal policy in this field depends on establishing suitable infrastructures and implementing robust regulation and governance mechanisms. Undeniably, an appropriate criminal policy regarding information technology and the phenomenon of cryptocurrencies is information-centered. Hence, a preventive, investigative, integrative, differential, and interactive criminal policy approach in legislation and regulatory reforms can prove effective. This study employs a descriptive and analytical method, utilizing library resources to examine optimal criminal policies against criminal behaviors stemming from cryptocurrencies in Iran, with a focus on regulation within the global approach. Initially, the study explores the legal foundations and nature of cryptocurrencies. Subsequently, it analyzes the concept of criminal policy in all its dimensions, alongside the challenges and issues associated with criminal policy, as well as appropriate solutions to counter criminal behaviors stemming from cryptocurrencies. Finally, it delves into regulation, legislation, and the pathology of the cryptocurrency phenomenon.

Keywords: *Optimal criminal policy, cryptocurrencies, regulation, crypto-assets, criminalization.*

How to cite: Rezaei Nikabadi, H., Pakzad, B., & Rahmat, M. (2023). Optimal Criminal Policy in Confronting Criminal Behaviors Stemming from Cryptocurrencies in Iran: A Perspective on Regulation within the Global Approach. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 5(2), 172-186.

© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 14 April 2023

Revise Date: 15 June 2023

Accept Date: 22 June 2023

Publish Date: 23 August 2023



سیاست جنایی مطلوب در رویارویی با رفتارهای مجرمانه ناشی از رمزارزها در ایران با نگاهی به تنظیم‌گری در رویکرد جهانی

۱. حسین رضایی نیک آبادی: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران
۲. بتول پاکزاد*: استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: D.b.pakzad@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. محمدرضا رحمت: استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران

چکیده

امروزه شاهد گسترش و پیشرفت فناوری اطلاعات و استفاده از رمزارزها (رمزارزها) در زندگی افراد جامعه هستیم. با گذشت بیش از یک دهه از معرفی و انتشار رمزارزها، همچنان از حیث سیاست جنایی صحیح و قاعده‌مندی حقوقی و تنظیم‌گری، خلأهای راهبردی و اساسی زیادی در این حوزه وجود دارد. ویژگی‌های منحصر به فرد پدیده رمزارزها (رمزارزها) و نوظهور بودن آن باعث ایجاد بستری مناسب برای ارتکاب جرم توسط بزه‌کاران گردیده است. با این حال رویکرد کشورها در برابر این پدیده متفاوت است. برخی از کشورها تلاش کرده‌اند تا با اتخاذ رویکردی فعال و پویا به تنظیم‌گری و انتخاب سیاست جنایی مطلوب در این حوزه بپردازند ولیکن برخی از دولت‌ها به دلیل ابهامات موجود در این حوزه و حساسیت‌های سیاسی و امنیتی و اقتصادی، مقررات‌گذاری خاصی انجام نداده‌اند. با توجه به چالش‌های موجود در زمینه پدیده رمزارزها (رمزارزها) از جمله مجهول بودن هویت طرفین و نامعین بودن مبدأ و مقصد و تحصیل دلیل و صحنه جرم و ماهیت حقوقی آن از منظر فقهی و انسداد در تعقیب جرایم و قواعد ناکارآمد صلاحیت‌ها، رسیدن به یک سیاست جنایی مطلوب در همه زمینه‌های آن را با مشکل اساسی مواجه می‌نماید. جرایمی مانند کلاهبرداری، پولشویی، فرار مالیاتی، جرایم سازمان یافته و غیره از جمله موضوعاتی هستند که بزه‌کاران تمایل زیادی برای ارتکاب جرم در این حوزه دارند. اکثر کشورها با اتخاذ سیاست جنایی ریسک‌مدار در این زمینه تلاش می‌کنند یک راهبرد مناسبی را در این خصوص انتخاب نمایند ولیکن با توجه به ویژگی‌ها و مولفه‌های که رمزارزها دارند اتکا به این سیاست کافی نیست. بدون شک رسیدن به یک سیاست جنایی کارآمد در این خصوص منوط به ایجاد بسترهای مناسب و تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری در این حوزه خواهد بود. بی‌گمان سیاست جنایی صحیح در مورد فناوری اطلاعات و پدیده رمزارزها اطلاعات محرواست و بدین جهت سیاست جنایی مبتنی بر پیشگیری و جرم‌پایی و تلفیقی، افتراقی و تعامل‌گرا در حوزه تقنین و اصلاح مقررات می‌تواند مؤثر باشد. در پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به مطالعه سیاست جنایی مطلوب در برابر رفتارهای مجرمانه ناشی از رمزارزها در ایران با نگاهی به تنظیم‌گری در رویکرد جهانی پرداخته شده است. در این نگارش ابتدا مبانی و ماهیت حقوقی رمزارزها مورد پژوهش و واکاوی قرار گرفته است سپس مفهوم سیاست جنایی در تمامی ابعاد آن با مشکلات و چالش‌های سیاست جنایی و راهکارهای مناسب در برابر رفتارهای مجرمانه ناشی از رمزارزها مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند و متعاقباً به موضوع تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری و آسیب‌شناسی در مورد پدیده رمزارزها (رمزارزها) پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی مطلوب، رمزارزها، تنظیم‌گری، رمزارزها، جرم‌انگاری

نحوه استناددهی: رضایی‌نیک‌آبادی، حسین، پاکزاد، بتول، و رحمت، محمدرضا. (۱۴۰۲). سیاست جنایی مطلوب در رویارویی با رفتارهای مجرمانه ناشی از رمزارزها در ایران با نگاهی به تنظیم‌گری در رویکرد جهانی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۲)، ۱۸۶-۱۷۲.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۵ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۲۵ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱ تیر ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱ شهریور ۱۴۰۲

مقدمه

امروزه با توجه به اینکه معاملات مربوط به رمزارزش‌ها به صورت مجازی، لحظه‌ای و جهانی و مخفیانه صورت می‌گیرد، به یکی از ابزارهای مهم ارتکاب جرم به ویژه جرایم مالی تبدیل شده است و این امر از آنجا تشدید می‌شود که بسیاری از کسب و کارهای قانونی در سرتاسر جهان نیز رمزارزش‌ها (رمز ارزها) را قبول می‌کنند و این خود یک انگیزه مضاعف برای ارتکاب جرم از این طریق خواهد بود. جرایم مختلفی امکان دارد از طریق ارزهای مجازی اتفاق بیافتد مانند فرار مالیاتی، پولشویی، سرقت ارزهای مجازی، جعل و جرایم سازمان یافته و غیره که بعضاً جرایم علیه اموال هستند.

بی‌گمان اتخاذ سیاست جنایی مناسب و مطلوب در خصوص پدیده رمزارزها مستلزم شناخت و بررسی مدل‌های سیاست جنایی و بررسی و چالش‌هایی به صورت حقیقی خواهد بود از این حیث در مدل سیاست جنایی دولتی و مدل جامعه لیبرال که متکی به اصل آزادی و تفکیک بزه و انحراف است بخشی از پاسخ‌ها به جامعه مدنی واگذار می‌شود. و در مدل اقتدارگرا که کاملاً ساختار آن امنیتی می‌باشد دولت مراقبت و مجازات را در انحصار خود دارد و پاسخ به جرم و انحراف رسمی و دولتی است و در مدل دولت تام‌گرا، ما شاهد هیچ‌گونه حد و مرزی برای اظهارات دولت نیستیم و در مدل جامعه آزاد مطلق اجتماع به جای دولت به تنهایی برخورد با پدیده مجرمانه را به عهده می‌گیرد و تمایزی بین جرم و انحراف نیست البته در مدل جامعه خودگردان نیز هر چند پاسخ به جرم اجتماعی است ولیکن تفکیک جرم از انحراف دیده می‌شود ولیکن مبنا و مرجع همچنان دولت است. در سیاست جنایی اسلام که بر پایه تدابیر عدالت‌محور و رشد‌مدار که به طور کنشی و واکنشی پیگیری در برابر پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد نوعی سیاست جنایی مختلط محسوب می‌شود. با توجه به ویژگی‌ها و ماهیت رمزارزها (رمزارزش‌ها) از جمله ناشناس بودن ماهیت مبادله‌کنندگان و مشخص نبودن مبدا در صحنه جرم و تحصیل دلیل قانونی در برخی از جرایم، سیاست جنایی مبتنی بر جرم‌یابی و تقویت دانش پلیس و دستگاه‌های امنیتی در برخورد با جرائم مرتبط با ارزهای مجازی امری ضروری است. بی‌گمان یکی از جرایمی که در حوزه ارزهای مجازی اتفاق می‌افتد پولشویی است و مبارزه با بزه فوق مستلزم اتخاذ راهبرد کنشی و واکنشی و راهکارهای کنترلی است. سیاست جنایی ریسک‌مدار با نظارت بر مجرمان بالقوه و بالفعل به عنوان یک سیاست جدید می‌کوشد با توجه به وضعیت قبل از ارتکاب جرم و کاهش عوامل خطر نزد مجرمین در جهت کنترل و حفاظت بر بزهکاران و قربانیان جرم است و این امر در حقیقت موید تغییر اساسی سیاست امنیت مدار به جای کرامت مدار است. در این نگاه به پدیده مجرمانه، آنچه عمده و اولویت دارد پیشگیری اجتماعی است که موضوعیت و کارایی خود را به تدریج کاهش داده و به جای آن تکنولوژی و فناوری علوم مختلف برای شناسایی مجرمان خطرناک و همچنین تشخیص محیط‌های پر خطر و دسته‌بندی خطی وضعیت‌ها و محیط‌های پر خطر به جهت کاهش خطر از ارتکاب بزه و تکرار و ازدیاد شناسایی خطر، خنثی سازی، دستگیری و ایجاد محیط مناسب برای دوری بزهکاران بالقوه و بالفعل از جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است سیاست جنایی ریسک‌مدار در برابر رفتارهای مجرمانه ناشی از رمزارزها اطلاعات محور است و تا هنگامی که اطلاعات کامل و ثابت و مؤثر به مسئولین مربوط ارائه نگردد یا سیاست کارایی چندانی ندارد و این اطلاعات طیف وسیعی از اطلاعات را از حوزه‌های پولی، مالی، بانکی شامل می‌شود.

رویکرد دولتها درمقابل گسترش پدیده رمزارزش‌ها بسیار متفاوت است و برخی از کشورها فعالیت‌های مربوط به رمزارزها (ارزش‌ها) را پذیرفته‌اند و نه تنها آن را مستوجب کیفر نمی‌دانند بلکه فعالیت‌های صورت گرفته نیز مورد حمایت قانون است ولیکن برخی از کشورها فعالیت‌های

مربوطه به رمزارزش‌ها را جرم‌انگاری نموده و ممنوع اعلام می‌نماید. علی‌ای حال نگاه دولتها در حوزه تنظیم‌گری مناسب در مقابل گسترش ارزهای مجازی مختلف خواهد بود.

رمزارزش‌ها (رمزارزها) به دلیل آزادی در پرداخت و دسترسی بین‌المللی و هزینه عملیاتی پایین و سرعت در پرداخت موجب افزایش و به کارگیری در معاملات اشخاص گردیده است ولیکن به علت وجود آمدن جرائم مختلف به علت مشخص نبودن هویت فرستنده و گیرنده، بروز مشکلات امنیتی و فقدان قوانین و مقررات کیفری و حقوقی و توجهاً ابهام در ماهیت دارایی‌های دیجیتال و فقدان رویه قضایی مشخص و مسائل فقهی نیز از مهمترین چالش‌ها و معایب پدیده رمز ارزها محسوب می‌شود.

مفهوم سیاست جنایی

مجموعه از روش‌هایی است که هیئت اجتماع با تمسک به آن پاسخ‌های خود به پدیده مجرماته (جرم و انحراف) را سازمان می‌دهد در حال حاضر سیاست جنایی بر خلاف نظر دانشمندان گذشته، که صرفاً آن را شاخه‌ای از جرم‌شناسی یا حقوق جزای کاربردی به شمار می‌آورند، یک رشته مطالعاتی جداگانه در حوزه علوم جنایی محسوب می‌گردد که از یافته‌های سایر علوم نیز بهره‌مند می‌شود به عبارت دقیق تر سیاست جنایی یک رشته مطالعاتی میان رشته‌ای است که دارای چهار رکن اساسی می‌باشد که عبارتند از جرم، انحراف، دولت و در نهایت جامعه مدنی خواهد بود. آنچه اهمیت دارد این موضوع است که یک سیاست جنایی مطلوب و کارآمد برخلاف حقوق و کیفری، صرفاً متکی بر سیاست جزایی نیست بلکه ترمیم مشکلات اجتماعی، با از بین بردن عوامل ایجاد جرم، رفع تبعیضات به وجود آمده و برخورد با بی عدالتی، درمان و اصلاح و باز اجتماعی شدن بزهکاران از ویژگی‌های آن است. سیاست جنایی مطلوب و درست یک مفهوم کلی و عام می‌باشد که از دانش و ویژگی‌های سایر علوم برای نیل به اهداف خود به عنوان یک راهبرد استفاده می‌کنند و از سوی دیگر با سازمان‌های و نهادهای فراوان دیگر در ارتباط است و از طریق این سازمان‌ها و مراکز مقتدر تدابیر و اهداف خود را اجرا می‌کند. حسب مراتب معنونه سیاست جنایی از دیدگاه‌ای مختلفی قبال تحلیل و بررسی است که یکی از این تقسیم‌بندی‌ها شامل سیاست جنایی تقنینی، قضایی و مشارکتی می‌باشد. سیاست جنایی تقنینی در حقیقت تدابیر و تمهیداتی است که در قانون جهت مبارزه با بزهکاری تدوین شده است و ضمانت اجرای قانونی دارد و این بخش از سیاست جنایی ضمن آن که صلاحیت قانونی دارد موید اصول کلی حاکم و نظام کیفری یک جامعه می‌باشد. سیاست جنایی در بخش تقنینی، بر عمل منحرفانه یا مجرمانه معطوف است و بر شخصیت مباشر و مرتکب آن عمل مجرمانه یا منحرفانه تأکید مینماید. سیاست جنایی تقنینی بیشتر مبتنی بر شخصیت مجرم و منحرف تأکید می‌کند. و با این دیدگاه قانون، زمانی مبتنی بر سیاست جنایی است که «فردی کردن» ضمانت اجرای کیفری، کنترل اجتماعی را برای مساعد و هموار نمودن راه بازگشت بزهکاران و منحرفان به جامعه، میسر سازد. در این حالت ممکن است مجازات و به طور کلی ضمانت اجرا، حتمی و قطعی نبوده و با جرم ارتكابی نیز تناسبی نداشته باشد؛ چرا که آن چه مهم است شخصیت مجرم یا منحرف است نه عمل ارتكابی (Lazerges, 2003, 2016).

سیاست جنایی قضایی در معنای مضیق آن سیاستی است که در آرا و احکام و تصمیم‌ها و عملکرد دادگاه‌های دادگستری تجلی می‌یابد. به عبارتی دیگر بعد از آن که مقنن سیاست جنایی خود را در مقررات قانونی تدوین می‌کند، ممکن است که این قوانین و پیام‌هایی که در قانون پیش‌بینی شده به صورت متفاوتی درک و پذیرفته شود. قانون به تبیین اصول و مبانی کلی نظام کیفری یک جامعه پرداخته و تفسیر و تطبیق آن را در موارد خاص به قضات حاکم واگذار نموده است. این امر یعنی روح بخشیدن به الفاظ خشک و بی روح قوانین و فعلیت بخشیدن به

آنها، به بیان دیگر «سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی، آن طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می‌گیرد» (Ebrahimi, 2017; Esmaeili, 2017).

با توجه به گسترش و رشد انواع بزهکاری و عدم کارایی ابزارها نظام کیفری، مشارکت و همکاری تمامی افراد جامعه برای پیشگیری و مقابله با پدیده مجرمانه الزامی است، سیاست جنایی مشارکتی در واقع سیاست جنایی همراه با مشارکت وسیع جامعه مدنی است در این میان قوه مجریه و مقننه می‌کوشد با تدوین و طرح یک سیاست جنایی بدون اتکا به نیروی انتظامی و پلیس یا قوه قضاییه، پدیده مجرمانه را کنترل نماید. در واقع شرکت دادن مردم در سیاست جنایی به این معناست که، پیشگیری و سرکوب بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد جامعه مربوط می‌شوند و اگر امر سرکوبی جرم را مرتبط با همه افراد جامعه بدانیم، خواهیم پذیرفت که تجربه‌ها پیشگیری و سرکوبی نه تنها در تضاد با یکدیگر نیستند بلکه مکمل یکدیگرند و نهادهای سرکوبگر مثل پلیس یا شرکت مردم در سیاست جنایی دیگر انحصار سرکوبی و مجازات کردن را در اختیار ندارند و به علاوه این نهادها امروز پیش گیرنده از بزهکاری نیز می‌باشند.

تحلیل و بررسی جرائم سایبری و ویژگی‌های آن

عبارت سایبر از لغت یونانی (Virtual) به معنای مفهوم یا راهنما اخذ شده است و از لحاظ مفهومی به معنای مجازی و غیر ملموس می‌باشد بر اساس تعاریف ارائه شده سایبر به تحلیل و بررسی مکانیزم‌های بکار برده شده در کنترل و تنظیم سیستم‌های مختلف اعم از انسان یا ماشین بکار برده می‌شود. در فرهنگ لغت سایبر به معنای مجاز ترجمه گردیده است. پر واضح است که ترجمه عبارت سایبر جامع و مانع نیست به جهات اینکه فضای سایر یک فضای یک فضای حقیقی و ملموس و واقعی علی‌ای-حال سایبر به محیط‌هایی اطلاق می‌گردد که فعالیت‌های آن‌ها بر مبنای پردازش سامانه صفر و یک است. لازم به ذکر است تصویری که عموم مردم از فضای سایبری دارند بیشتر مبتنی بر اینترنت است در حالی که اینترنت صرفاً یک شبکه بین‌المللی بزرگ است که هم اکنون نیز مشابه آن در فضای مجازی وجود دارد. آقای ویلیام گیسون در سال ۱۹۸۴ با عنوان نیورومانسر برای اولین بار اصطلاح فضای سایبر یا دنیای مجازی را بکار می‌برد. در تعریف ایشان سایبر شبکه‌هایی است که به یکدیگر متصل بوده و تمام اطلاعات مربوط به روابط افراد با یکدیگر، سنت‌ها، آیین‌ها، فرهنگ‌ها، کشورها، ملت‌ها، در این فضا به صورت دیجیتال به وجود آمده و قابل بهره‌برداری و استفاده برای همه اشخاص است و از طریق رایانه، اجزای آن و شبکه‌های بین‌المللی به هم وصل می‌شوند. با توجه به گمنامی و ناشناخته بودن فضای مجازی و همچنین و آسانی و سرعت ارتکاب جرم و همچنین فناوری‌های جدید و فقدان ابزارهای نظارتی و حاکمیتی و فرامرزی و بین‌المللی بودن آن رسیدن به یک سیاست جنایی صحیح در تمام ابعاد آن برابر رفتارهای مجرمانه ناشی از رمزارزها را با چالش‌های اساسی و دشوار مواجه می‌سازد.

چالش‌های سیاست جنایی در حوزه پدیده رمزارزها و جرائم رایانه‌ای

ویژگی خاص و منحصر به فرد پدیده رمزارزها باعث شده که مراجع قضایی و انتظامی کارآمدی کافی را در زمینه تعقیب جرایم ارتكابی در این زمینه را نداشته باشد با این ابضاح که همزمان با افزایش رشد ارتكاب جرم، امکانات سخت‌افزاری پلیس افزایش کافی را نداشته و به مرور زمان کارایی آن کمتر می‌شود و در نتیجه حالت انفعال شدید به وجود می‌آید و این انفعال از سویی ناشی از عدم کارایی مرجع انتظامی و پلیس به جهت کمبود امکانات سخت‌افزاری است و از سویی دیگر به دلیل تورم کیفری است و تورم کیفری در این حوزه محصول افزایش روز افزون تعداد ارتكاب جرائم است. ابهام در مفهوم جرائم مشهود نیز از جمله چالش‌های سیاست جنایی تقنینی در حوزه پدیده رمزارزها

است. اهمیت بررسی جرم مشهود بدین دلیل است که ضابطان دادگستری می‌توانند در برابر وقوع جرایم مشهود اقدامات قانونی و فعالیت‌های مقتضی خود را بدون کسب اجازه از مراجع قضایی انجام دهند که در حقیقت این امر در راستای مقررات قانونی بوده و موجب محدود شدن حقوق شهروندی و آزادی‌های فردی است. جرایمی که در فضای مجازی اتفاق می‌افتد عمدتاً جرایم سنتی نیستند که در محیط‌های مشخص اتفاق می‌افتد، امکان دارد جرایم فضای مجازی در تمام نقاط جهان واقع شود و از این حیث محدود به مکان‌های معین و یا محدود نیست و از این حیث آیین دادرسی سنتی به دلیل تمرکز در محل ارتکاب جرم کارکرد قانونی خود را از دست می‌دهند و از این رو قواعد ناکارآمد صلاحیت از جمله مشکلات اساسی در زمینه جرائم ارتكابی در این حوزه خواهد بود.

برای احراز رفتار مجرمانه و تعقیب و محکومیت بزهکار، ارائه دلایل و مستندات به مراجع قضایی امری ضروری است به عبارت دیگر استناد پذیری اسناد الکترونیکی در محاکم دادگستری مستلزم این امر خواهد بود که اطمینان کافی در رابطه با تضمین صحت این اسناد و مدارک برای مراجع قضایی وجود داشته باشد. به نظر می‌رسد که ناکارآمدی ادله الکترونیکی ناشی از طبیعت فضای مجازی و هم سیاست جنایی در ابعاد مختلف آن باشد لهذا یکی از چالش‌ها مراجع تعقیب و دادگاه‌ها در پیگیری و کشف جرائم در این حوزه فقدان مدارک مشهود و مفهوم است. البته ناهنجاری‌های اجتماعی و افزایش و گسترش شبکه‌های اجتماعی و پیچیدگی‌های آن و توجهاً تغییر سبک زندگی مردم و تدوین قوانین و مقررات ناقص از جمله چالش‌های موجود در اتخاذ یک سیاست جنایی مناسب محسوب می‌گردد.

سیاست جنایی مناسب در زمینه پدیده رمزارزها و جرائم رایانه‌ای

ویژگی‌های رمزارزها (رمزارزش‌ها) و طبیعت فضای مجازی، ترسیم یک سیاست جنایی مطلوب و مناسب در تمام ابعاد آن را با مشکلات اساسی مواجه می‌سازد علی‌ای حال به شرحی که به قلم می‌آید راهکارهایی که باعث پیشگیری از تشدید بحران در این زمینه می‌شود را مورد مذاقه و بررسی قرار می‌دهیم.

اعمال سیاست جنایی افتراقی و مدرن

از مذاقه و تحلیل پیرامون دستگاه قضایی ایران مستفاد می‌گردد که سیاست جنایی قضایی ایران نوعاً سنتی بوده و محاکم و رؤسای دادگستری در آرای صادره از واکنش و برخورد افتراقی با مجرمینی که در حوزه رمزارزها فعالیت دارند اجتناب می‌نمایند. همچنین در تدوین و تقنین قوانین مربوطه ملاحظه می‌شود مجازات‌هایی که برای این دسته از مجرمان قانون‌گذار در نظر گرفته است غالباً جزای نقدی و حبس بوده که دارای حداقل و حداکثر است و این نوع از مجازات‌ها قانونی تفاوتی با مجازات‌های جرایم سنتی ندارد. لازم به ذکر است مقنن در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ به صورت محدود و مشخص از سیاست جنایی افتراقی استفاده می‌نماید، که با افزایش ارتکاب جرایم رایانه‌ای می‌بایست اقدامات قانونی و مقتضی در این زمینه معمول گردد. امروزه گسترش جرایم رایانه‌ای در سال‌های اخیر ظهور در آن دارد که سیاست جنایی سنتی به هیچ عنوان کار آمد نیست و نمی‌تواند از وقوع جرم جلوگیری نموده و یا اهداف نهایی مجازات‌ها را تأمین نماید. همانطور که اشاره رفت رفتارهای مجرمانه به جهت رشد فناوری پدید آمده، جرم‌انگاری گردیده و به نوعی جرایم مدرن محسوب می‌گردند لهذا مجازات‌های سنتی پیش‌بینی شده مانند حبس متناسب با آن نخواهد بود و به طریق اولی برای برخورد متناسب با جرایم پیشرفته و مدرن می‌بایست از ضمانت اجرای کیفری جدید و پیشرفته استفاده شود تا بتواند جهت پیشگیری از وقوع جرم بازدارندگی لازم را داشته باشد و همچنین اصلاح و هدف مجازات‌ها که همانا اصلاح مجرم و باز اجتماعی شدن آن است تأمین گردد.

اعمال سیاست جنایی تلفیقی

مهمترین مورد جرم‌شناسی تلفیقی، کارایی تلفیق در نظریه‌پردازی جرم‌شناختی می‌باشد. از این رو سیاست جنایی تلفیقی به دنبال آن است تا با توجه به عوامل ارتکاب جرم از واقعیت پدیده مجرمانه رفع ابهام نماید و راهکار دقیق‌تر و جامع‌تر و منطبق با واقعیت را از جرم را ارائه نماید، و کمبودهای گرایش‌های تک بعدی را جبران نماید. برای ساخت یک نظریه تلفیقی لازم است ابتدا، گستره کاربرد نظریه تلفیقی تعیین شود. نظریه تلفیقی از این حیث می‌تواند عام یا خاص باشد. همچنین، تعیین سطح تلفیق، ضروری است. ساخت نظام مند نظریه تلفیقی ضمن آن که فرد را با پیش‌فرض‌های ذهنی نظریه پرداز در ساخت نظریه آشنا می‌سازد، زمینه ارزیابی نظریه تلفیقی را نیز میسر می‌نماید. بدین ترتیب، این امکان مهیا خواهد شد که ضمن شناسایی نظریه‌های تلفیقی برخوردار از اعتبار بیشتر، از آن‌ها در عمل استفاده شود؛ زیرا این نظریه‌ها در همان حال که به دنبال علت‌شناسی جرم می‌باشند، می‌توانند واجد آثار پیشگیرانه بوده، در دستور کار سیاست‌گذاران و کارگزاران نظام عدالت کیفری قرار گیرند. در این ارتباط، می‌توان با مقایسه و ارزیابی متقابل رویکردهای گوناگون، به تقویت نقاط قوت و کاستن از نقاط ضعف و مطلق‌گرایی‌های احتمالی آن‌ها پرداخته و بدین وسیله، بستر ارائه تدابیر بینابین و حرکت به سمت یک سیاست جنایی مناسب، واقع‌گرا و هماهنگ را هموار ساخت (Shamlu & Khalili Paji, 2020a, 2020b).

۲-۳. اعمال سیاست جنایی تعامل‌گرا

سیاست جنایی قضایی ایران به طور کلی درمورد جرایم رایانه‌ای تا زمانی که با سیاست جنایی تقنینی در تضاد نباشد هم سو با نظریه تعامل‌گرایی می‌باشد. بر اساس نظریه تعامل‌گرایی هدف عدالت کیفری در ایجاد و تکرار جرم مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و این نظریه در تلاش است با توسل به مدارا و تسامح در مواجهه با برخی از جرایم، مداخلات رسمی کیفری به شکل قانونی را محدود می‌کند. بدون شک برخورد سنتی و قهرآمیز با جرم و تنبیه مجرم هرگز میسر نخواهد بود و مجازات شدید بزهکار بدون توجه به شخصیت او غیر ثابت بوده و در نهایت اهداف مجازات‌ها تأمین نمی‌گردد. با عنایت به معیارهای اساسی عدالت توافقی، زمانی می‌توان به پیشگیری و مقابله با جرم و اصلاح واقعی مجرم تمسک نمود که این اقدامات همراه با مشارکت متهم در کشف جرم و رضایت مجرم او برای مشارکت در از میان برداشتن آثار و پیامدهای زیان بار جرم می‌باشد؛ به جهت اینکه مباشر جرم به عنوان عامل اصلی وقوع جرم از همه عوامل برای مبارزه با آن سزاوارتر ارجح تر است و فلذا نقش مؤثری در این زمینه می‌تواند داشته باشد. این مشارکت در کلیه سطوح و مراحل مختلف رسیدگی به جرم میسر می‌باشد. مهمترین آثار و نتیجه این نظریه بیشتر معطوف در کشف جرم و اصلاح مجرم و باز اجتماعی شدن آن و جبران خسارت بزه دیده و ترمیم خسارات اجتماعی جامعه می‌باشد. آنچه مسلم است بزهکار هسته اصلی هنجار شکنی و ناامنی اجتماع می‌باشد، در این حالت به یکی از عناصر و عوامل مهم مبارزه با جرم و بازگشت نظم به جامعه تبدیل می‌شود (شامبیاتی، ۱۳۹۴: ۱۴۳). در این میان قضات رسیدگی کننده به جرایم رایانه‌ای به دلیل نواقص موجود در پرونده و همچنین عدم کفایت ادله الکترونیکی برای اثبات رفتار مجرمانه اقدام به صدور قرار منع پیگرد متهم از بزه انتسابی را صادر می‌نمایند.

رویکرد سیاست‌گذاری ریسک مدار در برابر رمزارش‌ها (رمزارزش‌ها)

امروزه تغییرات متأثر از دیدگاه‌های نظری، الزامات عملی و وقوع پدیده‌های متنوع مفهوم جرم را به شکل اجتناب‌ناپذیری تغییر داده است. وقوع روزافزون ریسک‌های مختلف در قلمروهای اجتماعی و زیستی، منجر به طرح نظریه جامعه مخاطره‌آمیز در ادبیات جامعه‌شناختی از سویالریش‌بک شد (Shamlu & Khalili Paji, 2020b)؛ این نظریه از شاخص‌ترین نظریه‌های جامعه‌شناختی معاصر است که مبنایی برای

طرح گستره‌ای وسیع از تحلیل‌ها و الگوهای علمی از وقایع محیطی و بوم‌شناختی گرفته تا تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سه دهه گذشته تاکنون شده است. رویکرد مدیریتی ریسک‌مدار به جرم و به‌طور کلی به سیاست جنایی، در جامعه‌ای مطرح شد که آن را جامعه خطر یا ریسک‌مدار نام گذاری می‌نمایند؛ یعنی مرحله‌ای از تحولات جامعه مدرن که در آن خطرهای اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و فردی ناشی از پویایی تغییرها که بیش از پیش از محدوده کنترل مراجع ناظر بر ایمنی و امنیت جامعه صنعتی - و پسا صنعتی - خارج می‌مانند (Najafi Abrandabadi, 2009). در این رویکرد از این رو پیشگیری اجتماعی موضوعیت خود را از دست داده و دیگر علت محور نخواهد بود و به جای آن تکنولوژی و فناوری‌های نوین برای شناسایی مجرمین پر خطر وضعیت‌ها و محیط‌های خطر را به جهت تقلیل فراوانی خطر ارتکاب جرم و تکرار آن و افزایش فراوانی خطر شناسی، خنثی سازی، دستگیری و دور و محدود نمودن مرتکبین جرائم بالفعل و بالقوه از جامعه استفاده می‌گردد. امروزه این رویکرد نقش بسیار زیادی در پی‌ریزی سیاست جنایی کشورها در برابر جرائم مالی - اقتصادی با محوریت پولشویی دارد. مطابق رویکرد ریسک‌مدار، نظارت و توزیع منابع مرتبط براساس مواردی چون میزان فعالیت و ریسک وقوع جرم در حوزه‌ای خاص صورت می‌پذیرد. در واقع میزان ریسک پولشویی حوزه‌های پولی و مالی به‌عنوان مبنایی برای برنامه‌ریزی، تعیین گام‌های اجرایی، اجرای سیاست‌ها و ارزیابی اقدام‌های اجرا شده در برنامه تقسیم کاری ملی در برابر پولشویی قرار می‌گیرد. به این ترتیب نقل و انتقالات پولی و مالی براساس الگوهای طراحی شده مورد رصد قرار می‌گیرد تا در مرحله اول از وقوع هرگونه جرمی پیشگیری و در مرحله بعد پس از وقوع آن، جرم سریع کشف شود.

نتیجه کار برخی کشورها حاکی از آن است که بهترین شیوه در برابر کنترل ریسک مجرمانه بیت‌کوین، شمول رویکرد ریسک‌مدار در برابر پولشویی به این ارز است. این امر تا حدودی مورد توجه سیاست‌گذاران ایرانی نیز قرار گرفته است. به نظر می‌رسد از منظر سیاست‌گذاران ایرانی تحت پوشش قرار دادن مقررات پولشویی بر ارزهای مجازی، جهت کاهش و کنترل ریسک مجرمانه آن، کافی نیست. از این رو درصدد هستند تا ارزهای مجازی، به‌ویژه بیت‌کوین، را تحت پوشش مقررات ارزی کشور نیز درآوردند. امری که علاوه بر ایرادات ساختاری، از منظر حقوقی نیز به درستی انجام نشده است.

به این ترتیب پس از بررسی رویکردهای سیاست‌گذاری در قبال ارزهای مجازی با محوریت بیت‌کوین، باید دید در حوزه مدیریت ریسک ارزهای مجازی با توجه به ویژگی‌های خاص آن، دولت‌ها باید چه سیاست‌هایی را مدنظر قرار دهند تا هر تدبیر احتمالی در مرحله اجرا بتواند مؤثر واقع شود.

تنظیم گری در حوزه رمزارزها (رمزارزها)

همانطور که به قلم آمد سیاست واحد و مقررات خاصی در حوزه رمزارزها وجود ندارد و دولت‌ها بنا به مصالح و سیاست‌های مالی خود، رویکردهای مختلفی از جمله ممنوعیت به کارگیری، تدوین دستور العمل و اختطاریه، پول یا کالا، ارزش و دارایی محسوب کردن آن، پذیرفتن به عنوان روش مبادلات، تهاتر دانستن معاملات را در پیش گرفته‌اند. امنیت اقتصادی باعث شده توجه همه نظریه‌پردازان در کلیه سطوح فردی، اجتماعی، و ملی به پدیده رمزارزها جلب شود از این حیث تنظیم گری در حوزه تأمین امنیت اقتصادی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. خصوصیات رمزارزها و همچنین فضای سایبری باعث شده بزهکاران از طریق رمز ارزها مرتکب جرائم مختلفی از جمله پولشویی شوند لهذا تبیین سیاست جنایی برای مبارزه با جرم پولشویی اقوی است بر این مبادی اجرای سیاست جنایی و راهبردی اصولی برای مبارزه با جرم پولشویی، نیازمند مدیریت درست و متکی به تنظیم گری و تدوین قوانین کاربردی در سطح ملی است. در ایران بانک مرکزی به عنوان نهاد

مسئول در مبارزه با جرم پولشویی و پیشگیری از وقوع جرم شناخته می‌گردد که نیازمند اصلاح و تدوین قوانین مربوطه در این خصوص می‌باشد. لازم به ذکر است وجود نوسانات اقتصادی و عدم دخالت دولت در حوزه پدیده رمزارزها و آثار تورمی ارزهای مجازی از جمله مشکلات اساسی جهت تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری در این خصوص خواهد بود.

چالش‌های حقوقی در حوزه رمزارزش‌ها

اختلاف نظر در تعریف رمزارزها و ماهیت حقوقی آن از حیث مالیت داشتن و مال محسوب شدن و توجهاً مسائل فقهی و ابهام در مورد معاملات راجع به آن‌ها از جمله مشکلات حقوقی رمزارزها تلقی می‌گردد. در مورد رمزارزها به دلیل نبود نهاد مرکزی و متولی که وظیفه نظارت بر معاملات را انجام ده، و همچنین بی‌ثباتی و نوسان قیمت و ناکارآمدی بانک‌ها و خطر پذیری بسیار زیاد، تنظیم‌گری و تدوین قوانین جامع و کامل را با چالش‌های اساسی روبه‌رو می‌سازد.

راهکارهای حقوقی تنظیم‌گری در حوزه رمزارزها

پر واضح است ترسیم یک سیاست جنایی مطلوب در تمام ابعاد مختلف آن در مورد پدیده رمزارزها ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با رژیم تنظیم‌گری و تدوین قوانین و مقررات خاص دارد. بنابراین استفاده از دارایی‌های دیجیتال ممکن است با حقوق اساسی و شهروندی افراد جامعه تداخل نماید و بر این اساس ضرورت دخالت دولت در این حوزه نیز اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌بایست تنظیم‌گری مناسبی در این بخش انجام شود.

قسمت اول. حمایت از حریم خصوصی افراد

بدون شک حفاظت از اطلاعات خصوصی افراد و داده‌های آن‌ها به یک امر مهم و ضروری تبدیل شده و این اطلاعات ممکن است در دو بخش عمومی و شخصی طبقه‌بندی می‌شود. در حوزه حمایت از داده‌های خصوصی پیام‌های الکترونیکی میان سازمان‌های عمومی و خصوصی در حال تبادل می‌باشد و به دلیل فراگیر شدن پیشرفت‌های فناوری و تکنولوژی حفاظت از داده‌های سری و محرمانه و حاوی اطلاعات حساس و مهم به یک چالش اساسی تبدیل گردیده است، تحت تأثیر تبادل داده پیام‌های الکترونیکی میان نهادهای عمومی و خصوصی، مسئله حفاظت از اطلاعات به امری مهم تبدیل شده است. این اطلاعات در دو گروه اطلاعات عمومی و شخصی طبقه‌بندی می‌شوند. افزایش روزافزون نقش سرویس‌های الکترونیکی و اتکا به شبکه‌های کامپیوتری، دنیای امروز را به دنیای دانش الکترونیکی تبدیل کرده است. به موازات فراگیر شدن این پیشرفت‌ها، حفاظت از داده‌های محرمانه و حاوی اطلاعات حساس به نگرانی مهمی تبدیل شده است.

قسمت دوم. آزادی اطلاعات

بدون شک آزادی ارتباط میان افراد جامعه مستلزم حفظ حریم خصوصی آن‌ها می‌باشد به عبارت دیگر افراد جامعه هنگامی که در حال تبادل اطلاعات و ارتباطات با یکدیگر هستند نباید نگران دخالت اشخاص ثالث اعم از حقیقی یا حقوقی و یا آگاهی آن‌ها از اسرار تجاری اجتماعی و یا خصوصی آن‌ها باشند.

قسمت سوم. شفاف‌سازی اطلاعاتی

یکی از موضوعات بسیار مهم و اساسی در حوزه تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری ارائه اطلاعات لازم و شفاف به افراد جامعه می‌باشد و افراد جامعه با اتکا به اطلاعاتی که در اختیار آن‌ها قرار داده می‌شود می‌توانند با جنبه‌های مختلف مجرمانه چنین فعالیت‌هایی بیشتر آشنا شوند و از

ارتکاب جرم جلوگیری شود. کشورها می‌بایست اطلاعات لازم برای پیشگیری از وقوع جرم را به افراد جامعه ارائه نمایند و شهروندان می‌توانند با بهره‌گیری درست از رسانه‌ها و تبلیغات و توصیه‌های مربوطه از ویژگی‌های رمزارزها و اطلاعات مربوط به آن بهره‌مند شوند.

تنظیم‌گری در حوزه مبارزه با پولشویی یا تأمین مالی تروریسم

قانون کنترل پولشویی و قانون میهن پرستی، دو نمونه از قوانین ضد پولشویی و تأمین مالی تروریسم در ایالات متحده آمریکا هستند؛ اما قانون در حفظ اسرار بانکی قانون اصلی مبارزه با پولشویی است و شبکه اجرای جرائم مالی وزارت خزانه‌داری (FinCEN) مجری این قوانین است.

بر اساس سند برنامه اجرای مقررات FinCEN برای افرادی که به مدیریت، تبادل یا استفاده از ارزهای مجازی می‌پردازند که در مارس ۲۰۱۳ توسط FinCEN صادر گردید، کاربرانی که از رمزارز (رمزارزش) برای خرید کالاها و یا دریافت خدمات چه واقعی و چه مجازی استفاده می‌نمایند، مشمول مقررات FinCEN نمی‌شوند و علت آن را عدم تطابق با تعریف «خدمات انتقال پول» که در همان سند بدان اشاره نموده است اعلام می‌دارد و در نتیجه ارائه دهندگان خدمات پولی را مشمول این مقررات معرفی نمود. در این مقرر صرافی‌های ارزهای مجازی و مدیران منابع متمرکز ارز مجازی که توانایی انتشار و بازپرداخت ارز مجازی را دارند، به عنوان ارائه دهندگان خدمات پولی که تحت شمول و مقررات FinCEN می‌باشند معرفی شده اند. مدیر یا صرافی که یک ارز مجازی را تأیید و منتقل نماید یا به هر دلیلی مبادرت به خرید و فروش ارز مجازی نماید، یک فرستنده پول تحت مقررات FinCEN می‌باشد، مگر آنکه محدودیت یا معافیتی شامل حال شخص شده باشد. البته FinCEN در پاسخ نامه‌ای در اکتبر ۲۰۱۴ استخراج کنندگان رمزارزها را از شمول مقررات FinCEN خارج اعلام نمود.

ارائه‌دهندگان خدمات پولی که مشمول مقررات FinCEN می‌باشند، می‌بایست برنامه خود در خصوص چگونگی عمل به مقررات ضد پولشویی و اقدامات تروریستی را به صورت مکتوب تهیه و ارائه نمایند. در این برنامه باید سیاست‌های کتبی، رویه‌ها و کنترل‌های داخلی که به طور معقولی برای اطمینان از انطباق مداوم طراحی شده‌اند، تعیین شود، یک مسئول جهت بررسی روزانه انطباق با مقررات فوق مشخص گردد، آموزش‌های لازم و مناسب پرسنل به ویژه آموزش تشخیص معاملات مشکوک داده شود و بررسی مستقل برای نظارت و حفظ برنامه انجام پذیرد.

قانون مبارزه با پول شویی مصوب ۱۳۸۶، شورای عالی مبارزه با پول‌شویی را به ریاست و مسئولیت وزیر امور اقتصاد و دارایی تشکیل داده و مسئولیت تدوین آیین‌نامه‌ها و اجرای آن را به وی سپرده است. در این قانون کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی به ویژه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری می‌بایست به آیین‌نامه‌های صادره از سوی شورای عالی مبارزه با پول‌شویی عمل نمایند. بر اساس بند «ه» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۸، فارغ از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، صندوق‌های قرض‌الحسنه، کلیه شرکت‌های تجاری و سرمایه گذار، صرافی‌ها و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی را که به امر واسطه‌گری وجوه می‌پردازند، نیز مشمول تعریف مؤسسات اعتباری دانسته است.

در جلسه سی ام شورای عالی مبارزه با پول‌شویی در تاریخ ۹ دی ۱۳۸۶، به کارگیری ارزهای مجازی در تمامی مراکز پولی و مالی کشور ممنوع اعلام شده و حوزه نظارت بانک مرکزی نیز این ممنوعیت را به بانک‌ها ابلاغ نمود. البته این ممنوعیت تقریباً یک سال بعد بر اساس مصوبه بانک مرکزی در ۸ بهمن ۱۳۹۷ دچار تغییر و تحولاتی گردید. در این مصوبه، بانک مرکزی ضمن تلاش جهت رفع هرگونه مسئولیت مرتبط با رمزارزها از خود، تنها صرافی‌هایی را مجاز به انجام فعالیت در زمینه رمزارزها دانسته که به تأیید بانک مرکزی برسند و بانک مرکزی

لیست صرافی‌های مورد تأیید خود را در بازه‌های ۳ ماهه اعلام می‌نماید. از طرفی هر تراکنش در صرافی باید با احراز هویت کامل اشخاص صورت پذیرد و این صرافی‌ها می‌بایست تمامی اطلاعات مربوط به خرید و فروش، مشتریان و همچنین دلایل منشأ معاملات را ثبت و در صورت درخواست در اختیار بانک مرکزی قرار دهند. این مصوبه صرافی‌های رمزارزی را ملزم به رعایت قوانین مبارزه با پول‌شویی و شناسایی مشتریان (KYC) نموده است.

نقش سیاست جنایی مبتنی بر پیشگیری در رابطه با رمزارزها (رمزارزشها)

پیشگیری به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که نتیجه‌ام جلوگیری از ارتکاب و وقوع جرم است و این مفهوم شامل اقدامات کیفری و غیرکیفری است و آنچه امروزه در بحث پیشگیری به آن پرداخته می‌شود پیشگیری قبل از ارتکاب بزه و غیر کیفری می‌باشد در حال حاضر می‌توان به انواع مختلفی از روش‌های پیشگیرانه وضعی پرداخت که این پیشگیری ممکن است کنشی و یا واکنشی باشد و پیشگیری جامعه-مداری از طرق پیشگیری وضعی از جرایم خواهد بود. با توجه به ویژگی‌های خاص رمزارزها (رمزارزشها) عمده تدابیر پیشگیری برای جلوگیری از ارتکاب بزه در این حوزه، پیشگیری وضعی است در این پیشگیری سعی می‌شود با شناسایی مکان‌ها و موقعیت‌هایی که جرم در آن واقع شده است و اصلاح آن از ارتکاب جرم جلوگیری شود شفافیت مبادلات مالی و کنترل و نظارت بر آن از جمله راهکارهای مناسب جهت کاهش ارتکاب جرم است یکی از جرایمی که در حوزه رمزارزها وجود دارد پولشویی است ابهام در هویت طرفین و مبدا و مقصد از جمله موضوعات مبهم در زمینه بزه پولشویی است از منظر بین‌المللی گروه ویژه اقدام مالی موسوم به «اف‌ای‌تی‌اف» در توصیه‌های چهل گانه خود به دنبال ایجاد سازوکارهای قانونی جهت ایجاد تعادل میان جلوگیری از ارتکاب جرم و محدودیت ارائه خدمات به مجرمین است در ایران هم مطابق ماده ۵ قانون اصلاح مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ کلیه مشاغل و اشخاص حقیقی و حقوقی مکلف به شفافیت در تبادلات مالی و اجرای آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوطه شدند. موضوع دیگری که در بحث پیشگیری وضعی در حوزه رمزارزها ضروری است، نظارت و کنترل مبادلات مربوط به رمزارزها و همکاری‌های بین‌المللی است. سیاست جنایی و راهبرد صحیح در زمینه رمزارزها، نیازمند مدیریت تخصصی و جدی در سطح ملی است در ایران بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اصلی‌ترین نهاد مسئول در امر پیشگیری از جرم پولشویی است علاوه بر این به دلیل ماهیت بین‌المللی رمزارزها (رمزارزشها) و همچنین ویژگی‌های خاص آن که محدود به یک جغرافیایی خاص نیست، همکاری دولتها در کنترل مبادلات در این حوزه تأثیر مهمی در پیشگیری از ارتکاب جرم دارد.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تحلیل و بررسی سیاست جنایی مطلوب در برابر رفتارهای مجرمانه ناشی از رمزارزشها (رمزارزها) با نگاهی به تنظیم‌گری در ایران و رویکرد جهانی است. پیشرفت علم و فناوری در حوزه فضای مجازی و جذابیت‌های آن باعث گرایش اکثریت افراد جامعه به این حوزه شده است. با توجه به ویژگی‌های که رمزارزها دارند شاهد هستیم که بزه‌کاران جهت ارتکاب رفتار مجرمانه، به این حوزه وارد می‌شوند و این امر مستلزم اتخاذ یک سیاست جنایی مناسب در برابر پدیده رمزارزها و تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری در این خصوص خواهد بود. شایسته است سیاست جنایی ایران از مرحله سنتی رها شود و در جهت ترسیم سیاست جنایی نوین قوانین و مقررات مناسبی را تدوین نماید. علی‌ای حال رسیدن به یک سیاست جنایی مطلوب و جامع در برابر پدیده رمزارزها امر بسیار دشواری است و چه بسا اینکه ایران در مورد تنظیم‌گری در این حوزه، مقررات‌گذاری خاصی انجام نداده است و به نظر می‌رسد رسیدن به یک سیاست جنایی مناسب مستلزم تنظیم‌گری در این زمینه خواهد بود.

در مورد سیاست جنایی شاهد بحران‌ها و چالش‌های مختلفی هستیم از جمله ضرورت جرم‌انگاری در این حوزه خواهد بود با این توضیح که بخش قابل توجهی از قاعده‌مندی حقوقی پیرامون رمزارزها، با قانون‌گذاری در خصوص ابعاد جنایی مرتبط می‌شود و همچنین انفعال و وقفه در تعقیب جرایم رایانه‌ای به لحاظ تورم کیفری خواهد بود. ویژگی خاص و منحصر به فرد پدیده رمزارزها باعث شده که مراجع قضایی و انتظامی کارآمدی کافی را در زمینه تعقیب جرایم ارتكابی در این زمینه را نداشته باشد با این ایضاح که همزمان با افزایش رشد ارتكاب جرم، امکانات سخت افزاری پلیس افزایش کافی را نداشته و به مرور زمان کارایی آن کمتر می‌شود و در نتیجه حالت انفعال شدید به وجود می‌آید و این انفعال از سویی ناشی از عدم کارایی مرجع انتظامی و پلیس به جهت کمبود امکانات سخت افزاری است و از سویی دیگر به دلیل تورم کیفری است و تورم کیفری در این حوزه محصول افزایش روز افزون تعداد ارتكاب جرائم است. ابهام در مفهوم جرائم مشهود نیز از جمله چالش‌های سیاست جنایی تقنینی در حوزه پدیده رمزارزها است. ضرورت تحلیل و بررسی جرم مشهود بدان جهت است که ضابطان دادگستری می‌توانند بدون کسب اجازه از مقام قضایی اقدامات قانونی و مقتضی را انجام دهند و کلیه اقدامات ضابطین دادگستری بخشی از مراحل قانونی است و از این حیث موجب محدود شدن حقوق شهروندی و آزادی‌های فردی است. جرایمی که در فضای مجازی اتفاق می‌افتد برخلاف جرم‌های سنتی، که در مکان‌های معین یا محدود صورت می‌پذیرد، ممکن است در تمام نقاط جهان واقع شود، با این اوصاف آیین دادرسی سنتی که با خصوصیات همچون محل ارتكاب جرم مشخص شده‌اند، کاربرد خود را از دست می‌دهند و از این رو قواعد ناکارآمد صلاحیت از جمله مشکلات اساسی در زمینه جرائم ارتكابی در این حوزه خواهد بود.

البته در تعیین محل ارتكاب جرم به حضور در هر جا استناد می‌شود و ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری و رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، نتیجه عملکرد نامطلوب سیاست جنایی تقنینی و قضایی در حوزه جرایم سایبری است. آنچه در مراجع قضایی موضوعیت دارد احراز ارتكاب جرم و احراز انتساب رفتار مجرمانه به اشخاص خواهد بود. به دلیل ناکارآمدی ادله الکترونیکی در این حوزه، بیشتر جرایم در این خصوص مورد تعقیب قرار نمی‌گیرند. به عبارت دقیق‌تر با افزایش و گسترش فناوری‌های پیشرفته و تحولات تکنولوژی سیاست جنایی تقنینی، تحول محسوس و درستی نداشته و همچنان موضوع کشف جرم و شناسایی متهمین به عنوان یکی از مشکلات و چالش‌های اساسی این سیاست می‌باشد. لازم به ذکر است ما در قانون تجارت الکترونیک هم خلأهای هنجاری را شاهد هستیم که این امر باعث زمینه افزایش بزهکاری در این حوزه می‌باشد و رشد رفتارهای مجرمانه به وجود آمده موید مشکل اساسی سیاست جنایی تقنینی است.

بنابر آنچه به قلم آمد رسیدن به یک سیاست جنایی مطلوب، عبور از سیاست جنایی سنتی و اعمال سیاست جنایی مدرن و افتراقی است. در حوزه تقنین مجازات‌های تعیین شده غالباً از نوع جزای نقدی و حبس بوده هرچند در ماده ۲۷ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ از مجازات‌های تکمیلی و جدید استفاده شده است ولیکن در حال حاضر این مجازات‌ها متروک مانده و رها شده و بسترهای آن فراهم نیست. سیاست جنایی تلفیقی در تلاش است با اتکا به واقعیت‌های پدیده مجرمانه علل ارتكاب جرم را مورد واکاوی و پژوهش قرار دهد و کاستی‌های نظریه‌های مختلف را جبران نماید و تعریف دقیق‌تر و جامع‌تری را از جرم ارائه کند و از این حیث به مدیریت جرم بپردازد بنابراین همانطور که صرف تسامح در برابر ارتكاب جرم عقلایی نیست، تمسک به سختگیری نیز مؤثر در قضیه نخواهد بود و صرفاً در مدت زمان محدود می‌تواند باعث کاهش میزان جرایم باشد. و در نهایت با توجه به موارد فوق، پیشنهاد می‌شود:

پیشنهادهای

۱. توسعه آموزش فنی و تکنولوژیکی:
 - برگزاری دوره‌های آموزشی برای نیروهای پلیس و امنیتی به منظور افزایش دانش و مهارت‌های لازم برای شناسایی و پیگیری جرایم مرتبط با رمزارزها.
 ۲. ایجاد همکاری‌های بین‌المللی:
 - برقراری ارتباط و تبادل تجربیات با کشورهای دیگر در زمینه جرم‌یابی و مبارزه با جرایم مرتبط با رمزارزها.
 ۳. تدوین و تصویب قوانین جدید:
 - ایجاد قوانین و مقررات مدرن در خصوص جرایم سایبری و رمزارزها، شامل جرم‌انگاری رفتارهای خاص و تعیین مجازات‌های مناسب.
 ۴. سیاست جنایی افتراقی:
 - اعمال سیاست جنایی افتراقی برای شناسایی و رسیدگی به جرایم فضای سایبری، به ویژه با تمرکز بر رمزارزها.
 ۵. تقویت نقش بخش خصوصی:
 - تشویق بخش خصوصی به همکاری با نهادهای دولتی در زمینه ارتقاء امنیت مالی و پیگیری جرایم.
 ۶. محرومیت از وسایل الکترونیکی:
 - بررسی امکان محرومیت مجرمان از استفاده از وسایل الکترونیکی مانند موبایل و لپ‌تاپ به عنوان یک راهکار پیشگیرانه.
 ۷. حفظ ادله الکترونیکی:
 - تأکید بر اهمیت حفظ و نگهداری ادله الکترونیکی در فرآیند جرم‌یابی و پیگیری قضایی.
 ۸. شفافیت مالی:
 - تدوین مقرراتی برای ایجاد شفافیت مالی و حمایت از حقوق شهروندی در زمینه استفاده از رمزارزها.
 ۹. پیشگیری از آثار سوء اقتصادی:
 - طراحی سیاست‌های جنایی برای جلوگیری از آسیب‌های اقتصادی ناشی از جرایم مرتبط با رمزارزها.
 ۱۰. پیشنهادات برای سیاست جنایی جامع:
 - ایجاد یک سیاست جنایی کامل و جامع که شامل تمامی ابعاد لازم برای مقابله با جرایم رمزارزی باشد.
- این پیشنهادات می‌توانند به بهبود وضعیت فعلی و پیگیری از جرایم مرتبط با رمزارزها کمک کنند و موجب ارتقاء امنیت مالی و اجتماعی در جامعه شوند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

EXTENDED SUMMARY

The growing global acceptance of crypto-assets has intensified their exploitation in committing various financial crimes, including tax evasion, money laundering, theft, forgery, and organized offenses. This phenomenon is further exacerbated by the fact that many legitimate businesses around the world recognize crypto-assets as valid payment methods, offering an added incentive for offenders to commit crimes using these virtual currencies. Due to the anonymity of transactions, criminals frequently exploit crypto-assets to obscure the identity of participants and the origin or destination of illicit funds (Najafi Abrandabadi, 2009).

Developing an effective criminal policy to address crypto-related offenses requires examining different criminal policy models and confronting real-world challenges. For instance, in a liberal society model, some responses to deviance are delegated to civil society, whereas in an authoritarian model, the state monopolizes law enforcement and imposes top-down measures. Meanwhile, Islamic criminal policy, founded upon justice-oriented and growth-centric principles, is considered a “mixed” policy. Given the unique features of crypto-assets, such as anonymity and difficulties in gathering legal evidence, a crime-focused approach that strengthens the capabilities of law enforcement is deemed essential (Lazerges, 2003, 2016).

One of the most significant offenses involving crypto-assets is money laundering, which demands both proactive and reactive strategies. Countries increasingly lean toward risk-based criminal policies to monitor and control offenders, both potential and actual. Yet, this pivot suggests a larger transition from a dignity-based approach toward a security-centered method, emphasizing advanced surveillance technologies over traditional social prevention efforts (Najafi Abrandabadi, 2009). Consequently, the priority increasingly shifts to identifying high-risk individuals and environments, classifying threats, intercepting illegal activities, and isolating offenders.

Governments exhibit varied attitudes regarding the expansion of crypto-assets, with some accepting their use and granting legal protections, while others prohibit or criminalize such activities. From a regulatory perspective, key benefits of crypto-assets—such as freedom of payment, accessibility, low transaction costs, and high speed—have prompted more frequent usage in commercial transactions (FinCEN, 2013). Nevertheless, the anonymity of transacting parties and the absence of clear legislative frameworks pose security and legal hazards, creating major challenges for states trying to enact suitable regulations.

Criminal policy, in a broad sense, involves how society organizes its responses to crime and deviance (Shamlu & Khalili Paji, 2020a). Unlike past notions that viewed it merely as an applied extension of criminal law or criminology, modern perspectives regard it as an interdisciplinary field informed by diverse disciplines. A robust and effective criminal policy goes beyond retributive measures, advocating social interventions, reducing systemic injustices, and promoting reintegration of offenders. Legislatively, it signifies strategies embedded in the law to combat crime through established sanctions, while judicially, it materializes in court rulings that interpret and apply legislative intent (Shamlu & Khalili Paji, 2020a).

Due to the evolution and growth of cyber offenses, participatory criminal policy stresses community engagement in preventing and combating criminal phenomena. The public’s involvement reinforces efforts undertaken by law enforcement and judicial authorities (Esmaeili, 2017; Shamlu & Khalili Paji, 2020b). However, in the cyber realm, traditional investigative tools lose their effectiveness, as offenses can be committed without geographical limitations. As a result, outdated jurisdictional rules

struggle to pinpoint the precise location of the crime or to define crimes as “in-flagrante,” thus complicating timely intervention and the safeguarding of individual rights.

In light of the risk-based strategy, crypto-assets require heightened scrutiny akin to financial transactions that may facilitate money laundering (FinCEN, 2013). Some countries classify crypto-exchanges as money service businesses subject to anti-money-laundering and counter-terrorism financing regulations. In Iran, for example, the responsibility for combating money laundering belongs to the Supreme Council for Anti-Money Laundering, under the authority of the Ministry of Economic Affairs and Finance (Law on Combating Money Laundering, 2007). Despite initial attempts to ban or restrict crypto-related activities, subsequent revisions focused on imposing stricter identification measures on users of digital asset exchanges.

Ultimately, any effective criminal policy against crypto-related offenses must consider technical, legal, and social dimensions. The need for modern, differentiated sanctions, improved investigative tools, and specialized training for police and judiciary officials is paramount. Equally important is transparent and consistent regulation—both domestically and internationally—to clarify the legal status of crypto-assets and reduce legal ambiguities. As proposed in multiple studies, greater intergovernmental cooperation, robust data-sharing frameworks, and risk-based oversight can significantly help deter criminal exploitation of crypto-assets and preserve economic and social stability

References

- Ebrahimi, S. (2017). *Criminology of Prevention* (Vol. 1). Mizan Legal Foundation.
- Esmaili, M. (2017). Preventive Justice in Controlling Crime in the Legal System. *Quarterly of Criminal Law and Criminology Studies*(2).
- Lazerges, C. (2003). *Introduction to Criminal Policy*. Mizan.
- Lazerges, C. (2016). *Criminal Policy*. Yalda.
- Najafi Abrandabadi, A. H. (2009). Narcotics Offenses: An Introduction to the Crime of Money Laundering. *Journal of Research Horizons*, 1.
- Shamlu, B., & Khalili Paji, A. (2020a). Legal and Economic Challenges of Virtual Currencies for Political Systems Under the Substitution Theory. *International Political and Economic Perspectives Quarterly*, 12(1).
- Shamlu, B., & Khalili Paji, A. (2020b). Risk-Based Criminal Policy Against Virtual Currency Technology.